

دنیای پیرامون کودک



پروژه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

می دهد. با این وضع برای او آسانتر خواهد بود که در دنیای بیچیده و آشفته فردایی برای خود باز کند.

این تماس نزدیک و کشف دنیای واقعی به او کمک می کند که دید اجتماعی روشن و درستی داشته باشد و تنها بر درس کلاس تکیه نکند و مباحث درسی تنها تجارب دوره تحصیل او نباشد.

آموزش و پرورش باید کودک را چنان بار آورد که دنیای اطراف و جامعه خود را بشناسد، و این فرصت باید از همان آغاز کار و در جریان برنامه های درسی برای او فراهم شود.

مشاهده دقیق و آگاهی از چگونگی چرخش سازمانهای یک جامعه و تشکیلاتی که چنین محیطی را شکل می بخشد فهم اجتماعی کودک را افزایش

تا آنجا که برای معلم و اولیای مدرسه امکان دارد باید کودک را با جامعه خود آشنا کنند. البته اگر پدر و مادر نیز دانسته و اصولی این برنامه را دنبال کنند نتیجه مطلوبتر به دست خواهد آمد. کودک باید گرفتاریها، ناملازمات، مقررات، حرفه‌ها و خلاصه هر چه یک جامعه را شکل می‌بخشد، خواه در شهر یا روستا، بشناسد و از نزدیک ببیند و با آنها آشنا شود تا دیدی گسترده و بینشی واقعتر پیدا کند. مثلا برای اینکه به کودک تصویری واقعی و اطلاعی جامع در مورد اینکه کار چیست و چرا مردم کار می‌کنند بدهیم، از یک کلاس در دیسان شروع کردیم. هدف ما این بود که به کودک بفهمانیم که همه کار می‌کنند و علت کار کردن رانیز برای آنها روشن کنیم و انواع مختلف کار رانیز به او بشناسانیم.

بدون مقدمه در کلاسی بحث را اعداد و زندگی روزانه حیوانات وحشی شروع کردیم. دانش آموزان هر کدام چیزهایی در این مورد می‌دانستند و با اشتیاق بحث را دنبال می‌کردند. از شیوه زندگی هر یک از حیوانات که دیده بودند و می‌شناختند گفتگو کردیم. بعد از گفتگوهایی که زیاد هم طولانی نبود برای همه روشن و مسلم شد که عمده فعالیت‌های حیوانات برای پیدا کردن غذا و پناهگاه است. یعنی عمداً بحث را به آنجا که دلخواه بود کشانیدیم که مثلا صبح که حیوان از خواب بیدار می‌شود، بالطبع احساس می‌کند که گرسنه است و باید به هر نحوی که شده است چیزی

محفوظ مانند از درندگان و حیواناتی که ممکن است به او حمله کنند، باز سرما و باد و باران به حاشی امن احتیاج دارد. بعد رسیدیم به این نکته که کار دیگر حیوانات تولید مثل است یعنی حیوانات برای خود لانه و پناهگاه می‌سازند. غذا برای فصل‌های سرد ذخیره می‌کنند و از جایی به جایی نقل مکان می‌کنند. به نفاذ دور دست مهاجرت می‌کنند و بازمی‌گردند. رعایت همین اصول به طور غریزی حیوان را از گرفتاریها نجات می‌دهد و از نیستی می‌رهاند و طفره رفتن از همین اصول طبیعی منحرف به نیستی و نابودی حیوان می‌شود. البته با توجه به سن دانش‌آموزان و حوصله آنها و علاقه‌ای که نشان می‌دهند معلم می‌تواند توضیحات بیشتری در زمینه نحوه زندگی و شکار و تغذیه و مسائل دیگری از دنیای حیوانات برای آنها بدهد.

معلم می‌تواند جانداران را در همین زمینه تقسیم بندی کند و از هر گروه که خواستار بیشتری داشت توضیحات وسیعتر و اطلاعاتی که مورد علاقه دانش‌آموزان باشد بیاورد. خود دانش‌آموزان نیز می‌توانند، هر طور که میل دارند، به تحقیق در مورد زندگی حیوانات بپردازند. به این طریق دانش آموزان، در عین سرگرمی، مطالبی نیز فرامی‌گیرند. بعد از آن به نحوه زندگی آدمیان نخستین و غارنشین در ادوار مختلف تاریخ و پیش از تاریخ پرداختیم. در این راه هدف این بود که خواسته‌ها و نیازهای نخستین بشر را و همچنین فعالیت و انگیزه تلاش او را در مقایسه با حیوانات وحشی در یک سطح نشان دهیم. نتیجه گرفتیم که احتیاج به خوراک و مسکن و تولید مثل در انسان و



حیوان تفاوتی ندارد. از خود دانش‌آموزان کمک گرفتیم تا شواهدی در این زمینه بیابند. بعد از جهات مختلف مسئله گفتگو کردیم تا آنها به وضوح دریافته‌اند که چگونه بشر از قدرت تفکر خود استفاده کرده و چه تلاش‌ها و کوشش‌هایی داشته است تا احتیاجات زیستی خود را تامین کند و زندگی راحت‌تری برای خود تدارک بیند. دانش‌آموزان خود در مورد راه‌هایی که انسان اولیه پیدا کرده بود تا بر محیط اطراف خود تسلط یابد و آسوده‌تر زندگی کند حدس‌هایی می‌زدند. برای آنها مجسم کردیم که در شرایط زندگی ابتدایی که هیچ نوع ابزار و وسیله‌ای نبود و بشر نمی‌توانست حتی پوششی بر تن داشته باشد و به راحتی غذا را فراهم آورد، طبیعا نمی‌توانست از تمام امکانات اطراف خویش استفاده کند.

ناگزیر ذهن و شعور خود را به کار انداخت و به فکر تهیه و ساختن ابزار و وسایلی افتاد که به کارش می‌خورد و در جاهای مختلف مورد استفاده‌اش بود. وقتی که دانش‌آموزان خود به این نتایج رسیدند، عکسها و شواهدی که از ابزارهای نخستین فراهم کرده بودیم به آنها نشان دادیم و همچنین از تصویرهایی که بر دیوار غارها از صحنه‌های شکار و یا سایر جاها برسنگ‌کنده شده بود اسلایدهایی نشان داده شد.

با مرور در کیفیت زندگی و تلاش انسان و حیوان در تنازع بقاء، دیگر برای دانش‌آموزان بسیار آسان بود که دریابند که بسیاری از امور چه ریشه‌های عمیق و کهنه‌ای دارند و دنیا دنیای تلاش و کوشش است و کار برای هر

موجود زنده‌ای ضروری است. در جوامع امروز مردان، زنان و کودکان، بنا به مقتضیات زندگی و محیط خود، وظایفی برعهده دارند که با محیط خانواده و جامعه آنها ارتباط پیدامی‌کند. با این مقدمات روشن و مسلمی که فراهم کردیم، دانش‌آموزان بالاخره به این نتیجه رسیدند که زندگی یعنی کار و وظیفه‌ای که هر شخص بنا به استعداد و قدرت خود برعهده می‌گیرد. کار یعنی سهم متقابل هر فرد در جامعه که هم خود فایده‌ای برد و هم نتیجه‌ای برساند. بعد توجه دانش‌آموزان را به جانب انواع مختلف کارها هدایت کردیم کارهایی که پدر و مادر آنها انجام می‌دهند و در اینجا متوجه یک مسئله تازه شدیم که در گفتگو در مورد انسان‌های نخستین مطرح نبود: مزدکار در این مورد بحث کردیم که چرا در گذشته چنین نبود و امروز مزد دادن رواج یافته است. بحث‌های گوناگون کردیم و دلایل زیادی یافتیم در این زمینه‌ها که چون احتیاجات بشر بیشتر شده و خواسته‌هایش افزایش یافته و تعداد افراد به طرز عجیبی زیاد شده است، باید افراد بیشتری در کارها مشغول باشند تا جواب نیازهای این جمعیت‌های بزرگ را بدهند. و از طرفی کارهای تازه پیدا شده که مورد احتیاج بشر است و خلاصه این مطالب را از خلال گفتگوها یادداشت کردیم:

— پدران و بعضی از مادران ما برای پول کار میکنند تا بتوانند احتیاجات و خواسته‌های خانواده را برآورده کنند.

— علاقه آنها به کارشان اصل مهمی است و در عین حال به جامعه خود نیز خدمت میکنند.

— بسیاری از کارهای جوامع امروز گسترده و عظیمند و از عهده یک نفر و چند نفر ساخته

را سریعتر و راحت تر می کند .

– خانواده در آمد خود را صرف خواسته ها و احتیاجات خود می کند .

– گاهی بسیار مشکل است که میان خواستن و احتیاج تفاوتی فایل شویم . " دانش آموزان از زندگی داخلی خود نیز مثالهایی آوردند . "

– بعضی شغلها چیزهای مورد نیاز عمومی را میسازند و یا تهیه میکنند (ماشین و غلات) و شغلهای دیگری که کاری انجام میدهد ، مثل تعمیرات تلویزیون و یاکسی که متصدی بخت اخبار است .

– بعضی کارها لازمه اش به خطر انداختن جسم و یا ثروت است ، البته ممکن است در این کارها در آمد شخص بیشتر باشد .

– معمولا " جامعه " کار ، برای امور مختلف ، پرداختهای متفاوت دارد .

– همه مردم واجد شرایط انجام دادن همه کارها نیستند .

– انتخاب نوع کاری که شخص به آن علاقه مند است در پیشرفت و موفقیت او حائز اهمیت بسیار است .

– دانش آموزان باید در کارهای مختلف دقت کنند و اطلاع کافی به دست آورند . این اطلاعات به آنها کمک میکند که از میان آنها رشته ای را برای خود برگزینند و از همان ابتدا در مورد آن اطلاع و مهارت کافی به دست آورند و به این ترتیب از هدر رفتن نیروها و استعداد های آنها در زمینه های دیگر که مورد توجه و علاقه نیست جلوگیری می شود .

وقتی که دانش آموزان تا این حد در گفتگوها به مسئله کار و کارگر نزدیک شدند ، موجبات آشنائی و دیدارهای کنجکاوانه آنها را با

آنهاست فراهم آوردیم . اشتیاق آنها در این مورد بسیار بود و برای انجام آن احتیاج به مقدماتی داشتیم . یعنی ناگزیر بودیم که ابتدا پدر و مادر را آگاه کنیم که چه منظوری داریم و بعد با محلل های مورد نظر تماس بگیریم و از آنها کمک بخواهیم . نامه ای به اولیای دانش آموزان نوشتیم و آنها را در جریان کار و برنامه ای که در نظر داشتیم گذاشتیم . در آن نامه علل اقدام به چنین کاری را به طور مختصر توضیح دادیم تا از تعطیل شدن کلاس و برنامه های خارج از مدرسه مطلع باشند . هدف ما بعد از مقدمه کوتاهی چنین خلاصه می شد :

– دانش آموزان را با این واقعیت آشنا کنیم که بالاخره ناچارند که کار کنند تا پولی به دست آورند و احتیاجات و خواسته های خود را برآورند .
– دوق آنها را برانگیزیم و آنها را تهییج و تشویق کنیم تا به فکر باشند و درباره شغلی که میخواهند در آینده داشته باشند تصمیم بگیرند .
– جامعه را به عنوان بهترین کلاس برای یادگیری و آموزش مورد استفاده قرار بدهیم و به موازات کارها و برنامه های درسی مسائل واقعی اجتماع پیرامون کودک را به او بشناسانیم .
با دانش آموزان در مورد بهترین راه آشنا شدن با کارگران و شیوه کار آنان مشورت کردیم . نتیجه این شد که بهتر است طرحی برای ثبت اطلاعات و هر نوع مطلبی که مورد تقاضای آنهاست تهیه کنیم تا بعد بتوانیم اطلاعات متفاوت را مجموعا داشته باشیم و هم بتوانیم بین شغلها و حرفه های گوناگون مقایسه ای نیز انجام بدهیم .
با کمک و همفکری دانش آموزان سولاتی فراهم کردیم



پرسشهایی را که شبیه به هم و یازاید به نظر می‌آید حذف کردیم . بیشتر دانش آموزان با سابقهای که از گفتگوهای خانوادگی داشتند مطالبی عنوان میکردند که برای دیگران نازگی داشت و مثلا "در مورد پرداخت حقوق دوره بیماری، اضافه کار و پرداخت حقوق در روزهای تعطیل مطالب و اطلاعاتی میدانستند که برای ما هم جالب بود و بالاخره به کمک خود آنها این سوالات را یادداشت کردیم :

اسم کاری که انجام میدهید چیست ؟
چندسال است که به این کار اشتغال دارید ؟
آیا در استخدام کسی هستید ؟
کارتان چیست ؟
آیا خودتان صاحب کارید و دیگران را استخدام میکنید ؟

این شغل چه نام دارد ؟
برای خودتان کار می‌کنید ؟
آیا کار دیگری هم دارید ؟ اگر دارید نام ببرید .
در هفته چند ساعت کار میکنید ؟
دستمزدتان در آغاز کار چقدر بود ؟
حداکثر پولی که میتوان دریافت کرد چقدر است ؟
اگر بیشتر از ساعت مقرر کار کنید ، مزد بیشتری می‌گیرید ؟

اگر بیکار شوید ، چه میکنید ؟
آیا روزهای تعطیل هم حقوق می‌گیرید ؟
از همان سالی که شروع به کار کردید یا چند سال بعد ؟
وقتی که کار می‌کنید ، دوست دارید که کسی با شما باشد یا میل دارید تنها باشید ؟
آیا کار شما خطراتی هم در بر دارد ؟
از چند سالگی میتوان وارد این کار شد ؟

چه تحصیلاتی برای رسیدن به این مرحله از کار شما ضروری است ؟
چرا شما این کار را انتخاب کردید ؟
آیا کار دیگری سراغ دارید که علاقه مند به انجام دادن آن باشید ؟
چه کاری است ؟

بعد از این پرسشها ، جای خالی در نظر گرفته شد تا اگر دانش آموزی سوال دیگری برایش پیش آمد مطرح کند و اگر کارگر یا کارمندی خواست مطالبی اضافه بر سوالات بنویسد ، جای کافی باشد . گاهی هم سوالات احتیاج به توضیحات بیشتری پیدا می‌کردند . بعد از جای خالی پایین صفحه توضیحاتی اضافه کردیم تا پاسخ دهندگان بدانند که منظور از طرح این پرسشها افزایش آگاهی و اطلاعات شغلی و اجتماعی دانش آموزان است و برای اینکه بتوانیم کمکی درست به درک اجتماعی و یا انتخاب شغلی دانش آموزان بکنیم ، پاسخها را دقیق و روشن بنویسد و نیز اضافه کردیم که این سوالات توسط خود دانش آموزان مطرح شده است و نشان میدهد که آنها علاقه مند به یادگیری هستند . خواهش میکنیم به آن سوالاتی که میخواهید پاسخ بگویید . اشتباه درنوشتن کلمات یا جملات هیچ‌گونه اشکالی ندارد ، چون ما منتظر نداریم که همه زبان‌نویسندگان درست رابدانند .

وقتی که تمام این مقدمات آماده شد و خواستیم دانش آموزان را به دنیای کار ببریم از پدر و مادرها و سایر اعضای مدرسه کمک گرفتیم تا ما را در مورد مصاحبه یاری کنند . با کارگاهها و اداراتی که قرار بود دانش آموزان به آنجا مراجعه کنند تماس گرفتیم و افراد مورد مصاحبه را آماده کردیم و از آنان خواهر

کردیم که وقتی یک یا دو دانش‌آموز را در موقع کارکردن ملاقات کردند لطفی بکنند و تا آنجا که ذوق و علاقه دانش‌آموز ایجاد میکند با خوشرویی آنها را بپذیرند و جواب سؤالیهای آنها را با کمال وضوح بدهند. اجازه بدهند که دانش‌آموزان از نزدیک با نحوه کار آنها آشنا شوند و کار آنها را دنبال کنند. به آنها گفتیم که دانش‌آموزان محتاج این همکاری هستند.

به این ترتیب افراد زیادی آماده مصاحبه شدند. خیلی زود افراد زیادی در شغل‌های متعدد در اختیار ما بودند که دانش‌آموزان می‌نوانستند به آنها مراجعه کنند. کسانی که خود دانش‌آموزان علاقه داشتند که با کارشان آشنا شوند و خودشان آنها را انتخاب کرده بودند عبارت بودند از: عکاس، گل فروش، ایستگاه رادیو، خلبان، خبرنگار روزنامه، مرکز تلفن، تلفنچی، معلم مدرسه فنی، منشی، آژانس مسافرتی، کتابدار، فروشنده بوتیک، مکانیک اتومبیل، فروشنده اتومبیل، پرستار بیمارستان یک فروشنده زن، بستچی و پلیس. وقتی که کار انتخاب شغل پایان گرفت (بچه‌ها هر کدام دو شغل را انتخاب کردند) پیشبینیهای لازم برای رفت و برگشت و مراقبت از آنان به عمل آمد و با تلفن به همه سازمانها - بی که مورد مراجعه بودند اطلاع دادیم و برای شروع کار از معلمان، اولیای دانش‌آموزان، دانشجویان تربیت معلم، انجمن معلمان، کارگران و کارفرمایان و ادارات کمک گرفتیم. چقدر جالب و پرهیجان بود وقتی که دانش‌آموزی خود را در مرحله‌ای که کارش مورد علاقه او بود می‌دید و خود را با شخصی که خودش و کارش برای او کمال مطلوب بود به گفتگویی نشست!

این برنامه دنیای تازه‌ای به روی آنان گشود و آنان تصویری بسابقه نسبت به محیط اطراف خود و کلمه کار پیدا کردند. آنها با افراد و حرفه‌ای که مورد علاقه آنان بود از نزدیک آشنا شدند. نوانستند نقش هر کار و تاثیر فردی و جنبی آن را از نزدیک ببینند و از اینکه هر کس به نحوی در رفع احتیاجات جامعه خودش سهمی برعهده دارد و به نحوی خاص بخشی از نیاز جامعه خود را فراهم می‌سازد بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند، و عمل‌متوجه شدند که هر فرد علاوه بر خدمت به جامعه نیاز مادی خودش را بایستی که دریافت می‌کند برطرف می‌سازد. پاسخها بر اساس همان سؤالات با دقت یادداشت شد و هر دانش‌آموز خارج از سؤالاتی که مطرح شده بود اطلاعات فرعی متعددی کسب کرد. خیلی مشکل است فایده‌های راکه از این برنامه به دست آوردیم و تحولی راکه در روحیه دانش‌آموزان پدید آمدن کنیم. به هر حال کلاس ما با دیدی تازه و خیلی راحت اطلاعات جامع و مفیدی درباره بسیاری از شغلها در اختیار گرفت. افرادی که با آنها مصاحبه شده بود از علاقه‌مندی و توجه و سادگی دانش‌آموزان خوشحال و راضی به نظر می‌رسیدند. یک عکاس گفت: "من با جوانان زیاد به گفتگوشستم اما این بچه‌ها با اشتیاق بامن صحبت می‌کردند با تمام حواس خود متوجه کیفیت کار من بودند و هر پاسخ من برای آنان جالب توجه بود و آنها فوراً آن را یادداشت می‌کردند. من احساس کردم که این بچه‌ها واقعا علاقه‌مند و مشتاق کسب اطلاعات در موارد مختلف این شغل هستند." بعدها متوجه شدیم که هر دانش‌آموز جلددار مورد رشته انتخابی خود تعصبی دارد و به

لزوم پرورش قبل از آموزش

اهمیت روشهای کیفی شناخت
رسمهای سازگاری و انتقال

سید کاظم مدرسی

نابراین چگونه ممکن است که پرورش کودک بدون شناخت او بخوبی صورت پذیرد. هدف از شناخت شناسائی است. اساس پرورش جدید بر پایه مشاهده و شناسائی قرار گرفته است. توصیه‌های اخیر این است که مربی باید حالات و قدرتهای طبیعی کودک را بشناسد تا اینکه بتواند بهترین آنها را بیرون کشیده و تقویت نماید.

در این مورد به نکاتی از نظریات دکتر آندره برز منحصص امور پرورشی جدید می پردازیم:

مربیان باید پیوسته آن را از نظر درنداشتند و با توجه و احترام به آن کودک را هدایت و راهنمایی نمایند. اگر "شخص" کودک ساخته شود دلیلی نیست که مربی به فکر منحصر

پیش از هر نوع برنامه ریزی آموزشی باید به سنجش وضع کودک پرداخت. اینک می خواهیم به اهمیت این موضوع بپردازیم:

این امر مشخص شده است که ساخت هر چیز بر اساس شناخت امکان پذیر می گردد، پرورش کودک نیز از چنین امری مستثنی نیست. ساخت یک انسان حساس ترین و دقیق ترین مرحله ساخت است.



بفرد خود باقی بماند و برگشت از نظر شخصی در چنین موارد محققا نه بی فایده است و نه تحقیر آمیز، از جهتی دیگر به نظر می رسد که احترام به کودک بدون شک روشی است آموخته و بدان وسیله یاد می گیرد تا به بزرگسال متقابلا احترام بگذارد. اما خواست تربیتی جدید اینست که نیازمندیهای اساسی و طبیعی کودکانه مورد توجه و احترام باشد. این امر بخودی خود بسوی بازشناسی تمامی آنچه که مستعد و سزاوار کنکاش و شناسائی در طبیعت کودکانه می باشد کشیده می شود...

بی توجهی به نیازمندی کودک و فعالیت های ناشناخته او که پیوسته در جستجوی مغذی هستند نابتوانند خود را ظاهر سازند در زمان طولانی موجب می گردد تا کودک نتواند تشخیص بدهد که چه کاری کند، وجه باید بکند آنوقت است که ذوق و میل به همه چیز را از دست می دهد و مریبان غرولندکنان می گویند "وای از ایمن بچه های تنبل" در صورتی که با بذل مقداری توجه و عنایت به اشکال متعدد تحرک و فعالیت های طبیعی و سالم کودکان میتوان هر کدام را به نوعی و برپایه و اصول روش های مختلف و متفاوتی به کار گرفت و نتایج ارزشمندی به دست آورد. برای شکوفائی یک شخصیت باید از همه امکانات روانی و رفتاری و کارائی آنان استفاده شود، بخوبی روشن است که بایستی پرورش و تربیت بطور انفرادی بر فرد منطبق گردد. اگر هوش از اجزائی که سبب تشکیل و تکوینش می باشد مثل تحرک، مسائل عاطفی و اجتماعی دور جدا شود، نمی تواند توسعه پیدا کرده و شکوفا شود، در صورتی که اگر مورد

توجه واقع گردد پیشرفت ها حتمی تر خواهند بود که غالبا "به خاطرات کودک عنوان و درجه می دهد، قدرت خلاقیت وی مورد نظر قرار گرفته و جهش های خود را بازمی باید و به مرحله ای می رسد که فعالیت های مدرسه ای یا فعالیت های خارج از مدرسه، بدون رعایت سلسله مراتب هماهنگ گردیده و تنها برای برگزاری امتحان به کار نمی روند بلکه در خدمت دائمی فرد قرار خواهند گرفت.

مری نباید هیچ یک از هیجانات و شور و شوق های شاگردش را تحقیر نماید و بایستی حالتی تمسخر آمیز و بی نظری تفوق جوئی و برتری آنها را متوقف سازد.

چون مسئله مهم اینست که یک کودک یا نوجوان نمی تواند و با جرئت نمی کند که به پوچ علاقه مند و باعاشق شود. برای اینکه بتوانیم با وجود همه مسائل، ایده های از سلسله مراتب ارزشها به آنها بدهیم فقط یک روش موجود است:

بازسازی راهی را که خودشان پیموده اند، با وجود خودشان و با بردباری و آرامش، و به جای اینکه آنها را در مورد سلیقه های شان آزمایش نکنیم آنها را وادار سازیم و به آنها نشان دهیم بین چیزهایی که دوست دارند کدامهایشان ارزش و لیاقت دوست داشتن را دارد.

پدران و مادران باید بجای اینکه خود تذکر بدهند "این رانخوان این احمقانه است" برای جدا کردن بهترین از بدترین کوشش نموده و کمک نمایند.

اگر از این کار و کوشش برای حسن تفاهم امتناع ورزند خطر بزرگی را دامن زده و اجازه می دهند تا خوشی و لذتی که بایستی هوشمندانه و قابل استفاده باشد، بخوشی و لذتی شرم آور تغییر شکل پیدا کند.



سازگاری کودکان

کودک با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سازگاری پیدا می‌کند.

به همین جهت محیط خانه باید از ارزشهایی برخوردار باشد تا بتواند کودک را برای آینده روشنی پرورش نماید.

اگر اولیاء به‌جین ارزشهایی معنقدنیاسند مسلم در امر پرورش صحیح کودکانشان موفق نخواهند بود.

فرزانه کونیز در این مورد سئوالی رام طرح کرده است.

چگونه والدین، بدون داشتن یک وضع مطمئن وثابتی می‌توانند کودک خود را با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی که خود به آنها ایمان ندارند سازگار نمایند و در پرورش او موفق



باشند.

کودکان رفتار و سلوک والدین خود را می‌پذیرند و در خود جایگزین می‌سازند.

بسیاری از کودکان رفتار ناپه‌نچار و پاه‌نچار را از محیط خانه به محیط های اجتماعی دیگر انتقال می‌دهند، در محیط های اجتماعی هم اگر اینگونه نقل و انتقالات پرورشی کنترل و هدایت نشود رفته رفته فرهنگ جامعه تضعیف می‌گردد. به قول دکتر آدفریر، والدین باید از احساسات عالی برخوردار باشند تا این صفات از وجود آنان به خارج پرتوافکند و کودکانشان را گرم و روشن سازد.

ارزشهایی که کودک می‌تواند آن را فراگیرد و انتقال دهد از قبل از تولد و تا قبل از ورود به محیط های اجتماعی است.

اولین ناظم و هادی و پرورش دهنده والدین هستند که می‌توانند شخصیت کودک را در آینده مشخص نمایند.

به تعبیری از کارشناسان امور تربیتی، نمی‌توان موجود کوچکی را که تازه دوازده سالگی بجای "زندگی کردن" فقط وجود داشته و رشد کرده است مورد توجه و نظر قرارداد، زیرا که ارزش کودک در قسمت بسیار مهم مربوط می‌شود به آینده او و آنچه را که از خود نشان می‌دهد.

چگونه می‌توان کودکی را که اجباراً دچار فقدان و کم و کاستی پرورش شخصیت و موجودیت خویش می‌گردد در بزرگسالی جالب و فعال و پیرانرژی مشاهده کرد.

اینک باید متوجه شد که چه طرز رفتار و سلوکی با کودکان می‌تواند در پرورش شخصیت آنان مؤثر باشد.

ادامه دارد

شاید متوجه نباشید این سیاس و قدردانی و والدین چه نیروی به معلم و متصدیان مدرسه میدهد و باین عمل که هزینه‌ای هم ندارد میتوان معلمین عزیز را تا مدت‌ها شاداب و امیدوار و علاقه مند به کار نگه داشت .

ولی باید بدانیم این مقدار کافی نیست و با ارتباطیکه برقرار می‌نمائیم نسبت به رفع نیازهای دیگری هم که در تربیت فرزندان موثر است اقدام لازم معمول داریم .

به کرات برای ما ثابت شده مدارس که پدران و مادران در آن حضور می‌یابند مدارس برابری و پرمحتوا می‌باشند و هر نوع نارسائی احتمالی بزودی برطرف و از تعلیم و تربیتی والا برخوردار خواهد بود .

اما هفته پیوند - همانطور که میدانید شهیدان بزرگوارمان مرحوم رجائی و باهنر که سهم بسزائی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بلکه انقلاب ما داشتند پس از اینکه انجمنهای خانه و مدرسه نظام پیشین را به انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمودند ۲۳ تا ۳ مهرماه را بنام هفته پیوند اعلام نمودند این هفته ، هفته ایستکه مدارس پس از دوران تعطیلی تابستان استقرار و نظم خود را کاملاً باز یافتند و روزهای استکه انجمنهای اولیاء و مربیان مدارس تشکیل و پدران و مادران نمایندگان خود را انتخاب و عملاً شروع به فعالیت خواهند نمود در این هفته اولیاء عزیز با هم و یک صدا آمادگی خودشان را برای کمک به خانه دوم فرزندانشان که مدرسه میباشد اعلام میدارند هفته ایستکه مدیران و مربیان زحمتکش مقدم اولیاء و حضورشان را در مدرسه برای ارائه خدمات

نونهالان و جوانان آینده انقلاب فکرمیکنند و عمل مینمایند و این پیوند مقدس اولیاء و مربیان تا انتهای سال تحصیلی به قوت و قدرت خود باقی خواهد ماند انشاء الله .

در پایان اجازه دهید در رابطه با مسئولیت پدران روایتی عرض نموده و به سخنان خود خاتمه دهم تا انشاء الله اساتید محترم شما را با برنامه‌های خود به فیض برسانند .

روزی رسول گرامی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم در حالیکه بعضی اصحاب ایشان راهمراهی مینمودند به اطفالی برخورد نمودند فرمودند (وَبِئْسَ لِالْاَوْلَادِ اَجْرَ الزَّمانِ مِنْ اَبائِهِمْ) وای بر اولاد آخر زمان از پدرانشان . اصحاب سؤال کردند یا رسول الله مِنْ اَبائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ از پدران مشرکشان . حضرت فرمودند : نه مِنْ اَبائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ یعنی وای بر اولاد آخر زمان از پدران مؤمن . وقتی اصحاب علت را پرسیدند

حضرت فرمودند : لِاَيُّعِلُّوْنَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَايِضِ وَ اِذَا تَعَلَّمُوا اَوْلَادَهُمْ مَنَعُوْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاَنَامَتْهُمْ بَرِيٌّ وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ

در خاتمه ضمن آرزوی فرج حضرت ولی عصر و طول عمر با برکت امام و رهبر عزیزنا ظهور امام زمان از خداوند متعال می‌خواهم ما را به وظائف پدری و خواهران را به مسئولیت مادری و مربیان را موقعیت معلمی آگاه و در تربیت نسل آینده موفقمان گرداند .

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته



اهمیت ریاضیات و بررسی افت آن

در

آموزش متوسطه

$$2x + 3y - 4 = y - 8x -$$

ریاضیات را در جهان

اسلامی دروازه های میان جهان

محسوس و جهان معقول ، و

همچون نردبانی میان جهان تغییر

و آسمان نمونه های اعلی (اعیان

ثابته) می شمارند .

اکثر ریاضیدانان مسلمان همانند

فیثا غورسیان هرگز علم ریاضی را

بعنوان یک موضوع کمی محض

دنبال نمی کردند و نیز اعداد را از

اشکال هندسی که شخصیت آنها را

قابل تصویری سازد جدانمی شمرده

اند .

علم اعداد همانگونه که اخوان

الصفا گفته اند "نابیدی است

از عقل به نفس و نخستین بخشی

است که از عقل به نفس افاض شده است" بعلاوه به آن همچون "زبانی که از توحید و تنزیه سخن میگوید" نظر می کرده اند. تحصیل ریاضی در اسلام شامل مراحل چهارگانه حساب و هندسه و نجوم و موسیقی بوده است. اغلب دانشمندان و فیلسوفان مسلمان هرچهار را فرامی گرفتند بعضی مانند ابن سینا و فارابی و غزالی رساله های مهمی در موسیقی و تاثیر آن در نفس تالیف کرده اند.

تاریخ ریاضیات در اسلام با محمد بن موسی الخوارزمی آغاز می شود که در آثار وی سنت های ریاضی یونانی و هندی با هم ترکیب شده است.

این ریاضیدان قرن سوم چندین اثر از خود برجای گذاشته که کتاب المختصر فی حساب الجبر و المقلبه مهمترین اثر او بوده است.

دانشمند و ریاضیدان دیگر عمر خیام است که وی شاعر، فیلسوف و ریاضیدان بود و تحقیقات وی در اصل موضوع اقلیدس و حساب و جبر برای نمایاندن مقام جهانی او در علم کفایت می کند.

جبر خیام یکی از برجسته ترین متون ریاضی قدیم بشمار می رود، معادلات را تا درجه سوم مورد بحث قرار داده و آنها را طبقه بندی و حل کرده است، همه جا ارتباط میان مجهولات و اعداد

و اسکان هندسی و از این طریق حلقه اتصال میان ریاضیات را با معنای مابعدالطبیعی که از خصوصیات هندسه اقلیدسی است، محفوظ نگاه داشته است.

گسترش این علم در حال حاضر در کشور ما به جهت آنکه نیاز جامعه ما به ریاضیات بدلیل آفتی که بخصوص از سال ۵۴ به بعد در کل کشور در آن ایجاد شده است، یعنی از ۲۹ درصد دانش آموزان متوسطه که در آموزش متوسطه تحصیل میکردند به ۷ درصد در حال حاضر رسیده است.

کمبود دانش آموز در رشته ریاضی سبب خواهد شد که درسهای آینده علاوه بر اینکه دانشگاههای صنعتی و دانشکده های فنی با کمبود دانشجو روبرو خواهند بود، دبیر ریاضی نیز باندازه کافی جهت تدریس این درس مهم نداشته باشیم.

لذا طی نشست های مکرری که با دبیران و صاحب نظران این رشته داشتیم اقدام بجمع آوری نظریات و پیشنهادات آنها پیرامون بهبود کیفی و افزایش کمی دانش آموز در این رشته جهت تامین نیازهای صنعتی و فنی آینده کشور خود نمودیم.

مشکلات مطرح شده:

الف - ضعف روش تدریس ریاضی

در دبستان .

ب - کمبود معلم ورزیده در کلاسهای چهارم و پنجم دبستان .

ج - ضعف روش تدریس ریاضی در دوره راهنمایی .

و - کمبود معلم ورزیده و کارآمد در مدارس راهنمایی .

ه - ضعف علمی بعضی از دبیران ریاضی در سطح آموزش متوسطه .

پیشنهادات کلی در رفع مشکلات که امید است بمنظور جذب دانش آموزان برشته ریاضی مورد توجه قرار گیرد .

۱- با استفاده از تجارب معلمین یا سابقه در مورد تدریس صحیح ریاضیات و رفع نقیصه روش تدریس ریاضی توسط آموزگاران اقدام لازم بعمل آورده و در ناحیه یا منطقه از وجود بهترین آموزگاران برای سرکشی بکلاسهای دبستان بخصوص سال چهارم و پنجم اقدام و در جلسات هفتگی کتاب ها را تدریس نمود .

۲- برای کلاسهای چهارم و پنجم دبستان آموزگاران مخصوص جهت تدریس ریاضی انتخاب و تربیت نمود تا با تسلط بر کتابهای مزبور در رشد و یادگیری دانش آموزان در زمینه ریاضیات قدم های مؤثری ارائه شود .

۳- دوره های بازآموزی در طول



سال تحصیلی ویا درایام تابستان کمک مؤثری رامی تواندد در زمینه بهبود روش تدریس ریاضیات داشته باشد.

۴- کتابهای سال اول و دوم راهنمائی مورد تجدیدنظر مجدد قرار گرفته و متناسب با ساعات کلاسی نوشته شود تا فرصت بیشتری برای حل تمرین های کتاب وجود داشته باشد.

۵- بدروس هندسه و رسم در دوره راهنمائی اهمیت بیشتری داده شود و در صورت امکان هندسه و رسم از همدیگر تفکیک و بصورت مجزا تدریس و ارزشیابی شود.

۶- برای انتخاب رشته تست های مخصوص (بویژه ریاضی) در رشته ریاضی تهیه و ازدانش آموزان توسط تست امتحان بعمل آید تا با در نظر گرفتن نمره تست اقدام به انتخاب رشته نمایند.

۷- از دبیران مجرب دبیرستانها در سال اول برای راهنمائی دانش آموزان جهت جذب رشته ریاضی استفاده بعمل آید.

۸- دست اندرکاران آموزش و پرورش بوسیله تبلیغات از طریق رسانه های گروهی بخصوص تلویزیون کاربرد و نقش ریاضیات را برای دانش آموزان گوشه سرد نمایند.

۹- بمنظور راهنمائی صحیح دانش آموزان هم در پایان دوره راهنمائی وهم پس از پایان سال اول دبیرستان از وجود آگاهان بمسائل روانشناسی و تعلیم و تربیت استفاده نمایند زیرا این افراد بخوبی می توانند بدون تعصب راهنمائی های لازم را ارائه دهند.

۱۰- در دوره های تربیت معلم با آشنا نمودن دانشجویان بسا کتابها و روش تدریس می توان کمک مفیدی جهت هرچه بهتر شدن تدریس نمود (گرچه اینکار صورت می گیرد ولی بطور محدود است)

۱۱- به نظر میرسد کاربرد ریاضیات حتی برای بعضی از دبیران ریاضی کاملاً مشخص نشده است می توان بوسیله جزوات و نشریات اطلاعات وسیعی را در زمینه کاربرد ریاضیات در اختیار آنان قرارداد و توسط این قبیل همکاران انگیزه و علاقه ریاضیات را در دانش آموزان بیشتر نمود.

۱۲- باتشویق و تقدیر از دبیران ریاضی فعال بهترین روش تدریس ریاضی را توسط رسانه های گروهی بدیگران ارائه داد و بامشاهده آن کمکی به تدریس ریاضیات نمود.

۱۳- در حال حاضر در بعضی از

نواحی و مناطق به ریاضیات مدارس پسرانه اهمیت داده می شود و از مدارس دخترانه ییا چشم پوشی شده ویا بآن کمتر اهمیت می دهند در حالیکه اگر در مدارس دخترانه ریاضیات اهمیت بیشتری داده شود از فرهنگ ریاضی غنی تری در آینده برخوردار خواهیم شد

۱۴- استفاده از وجود دبیرانیکه در شرف بازنشستگی هستند می تواند در رفع ضعف تدریس ریاضی بسیار موثر و مفید واقع گردد.

۱۵- ریاضیات باید در سال اول تجربی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد زیرا اگر مطالبی را در سال چهارم حذف نمایند برای دانش آموز مشکلی پیش نخواهد آورد و اگر در دانشگاه موفق شود آنجا ادامه خواهد داد ولی این کار در صورت تساهل در اول تجربی جبران ناپذیر خواهد بود.

۱۶- برای بهبود وضع تدریس همکاران جوان در آموزش متوسطه و رفع نقیصه روش تدریس پیشنهاد می شود سال به سال از وجود آنها برای تدریس کلاسهای بالاتر استفاده شود تا برای جانشینی دبیران باتجربه و با سابقه ای که در شرف بازنشستگی هستند یکباره خلاء ایجاد نشود.

۱۷- برای علاقمند نمودن دانش

آموزان به رشته ریاضی بخصوص کسانیکه استعداد و توانائی کافی در تحصیل این رشته را دارند، باید امکانات لازم بویژه معلم مناسب را آماده نمود.

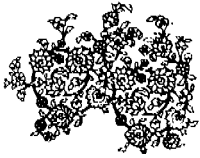
۱۸- برای بهبود کیفی آموزش متوسطه می توان ضوابطی تعیین نمود که دانش آموزان با استعداد ادامه تحصیل دهند و از ورود دانش آموزان کم

استعداد ویایی استعداد با آموزش متوسطه جلوگیری نموده و اینهمه هزینه های بیش از حد را صرف کسانیکه در آینده با کسب این معلومات اندک کاربردی در جامعه ندارند ننمود.

۱۹- چون دانش آموزان ما نسبت به دانش آموزان کشورهای پیشرفته در قسمت نظری کمبودی ندارند باید در رفع کمبود عملی

ریاضی آنها نیز اقدام لازم بعمل آوریم تا برای دستیابی بخود کفائی علمی هرچه سریعتر گامهای مؤثری برداریم.

ومن الله التوفیق
کمیته برنامه ریزی آموزش
متوسطه استان اصفهان



بقیه از صفحه ۲۱

نام ببریم که اهم آنها عبارتند از: وجود ابتلائات جنسی در بین اعضای خانه از پدر، مادر، برادر و خواهر و یا خویشان و کسان، فقدان تعلیم و تربیت صحیح در خانواده، وجود بی نظمی در زندگی و در خواب و استراحت و بستن مشترک برای فرزندان، وجود لمسهای غیر مشروع و یا نزدیک آمیز، دیدار مقاربتها از حیوانات و . . . که همه میتوانند تحریک کننده باشند و طبعاً باید برای آنها که زمینه ابتلائی دارند تحت کنترل درآیند.

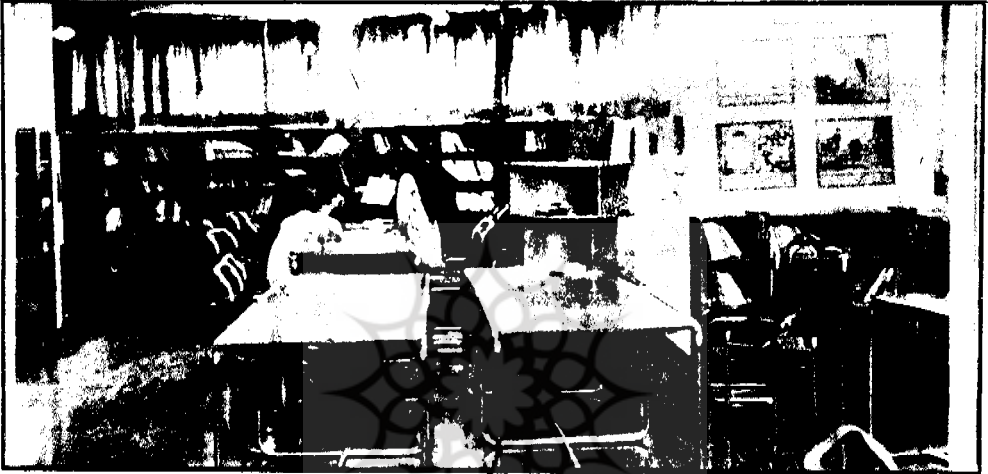
در تقلید از این رفتار گاهی مسأله ای پدید می آید و آن اینکه ضمن آن احساس لذتی هم برای شان حاصل میشود که زمینه را برای نگرانی آن فراهم می آورد. بنابراین عمل غیر جنسی آنها که تنها صورت تقلیدی دارد به عمل جنسی و یا میل به هدفهای جنسی تبدیل میشود که فرجام آن لغزش است.
۱- دیگر عوامل محیطی:
در این زمینه از عوامل متعدد دیگری باید

بقیه از صفحه ۳

و برداختن نسل انقلاب نقش اساسی دارند تلاش اولیاء بدون همکاری مربیان مدرسه بی ثمر است و کوشش مربیان بدون مشارکت اولیاء نیز بجائی نمی رسد. این هردو باید احساس مسئولیت کنند و وجدانه برای رشد معنوی و کمال انسانی فرزندان بکوشند.
من . . . التوفیق پیوند

نهاد فرزندان برومندی بارآیند که آینده ساز خود و کشورشان باشند.
چه نیکو گفت شهید ارجمند باهنر عزیز
" رسالت تربیت نسل بردو شد و نهاد استوار
است خانواده و مدرسه این هردو در ساختن

دوستی



خواندن

تمدن ماحصل دانشها و یادگارهای برجانهاده نسلهایی است که پیش از ما زیسته اند. ما نمی‌توانیم در این تمدن شرکت جویم، مگر اینکه با اندیشه‌نسلهای گذشته آشنا شویم. یگانه وسیله‌ای که ما را به این مقصود می‌رساند، سرانجام مردمی " تربیت یافته " باری آورد خواندن است هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین خواندن شود، نه سخی که در نطق بیاید چنین قدرت تربیتی دارد و نه تصویری که بر پرده سینما بناید. راست است که تصویر برای نمایانتر کردن نوشته وسیله پرارزشی است ولی در ساختن تصورات کلی چندان توانا نیست. فیلم نیز مانند نطق و

خطابه زودگذر و فنا پذیر و باز یافتن آن کاری دشوار و بلکه محال است، اما کتاب در سراسر زندگی پیوسته همدم ما می‌ماند. مونتینی می‌گفت که نمی‌تواند پیوند از سه چیز بگسلد: عشق و دوستی و کتاب. و این هر سه کم و بیش همانندند با کتابها هم می‌توان دوستی ورزید. کتابها دوستی همیشه ثابت قدم و وفادارند. من کتابها را چه بسا فرزانه‌تر و دل‌آویزتر از نویسندگانشان یافته‌ام. زیرا نویسنده از وجود خود آنچه را بهتر است به آثارش می‌بخشد و هنگامی که با او گفتگو می‌کنیم سخانش، هر چند لبریز از معنی باشد، می‌گریزد و از میان می‌رود، اما از راز کتاب همیشه می‌توان بی‌جوئی کرد. گذشته از

کتاب یگانه وسیله شناختن اعصار گذشته و بهترین وسیله وقوف بر احوال اجتماعی است که از دسترس ما بیرون است. من وقتی که شباهتهای شگفت انگیزی میان این جهانها، که زمان و مکانشان از ما دور است، با جهانی که اینک در آن زندگی می‌کنیم، می‌یابم خوشحالم صد چندان می‌شود.

مردمان همه در خلق و خوی به هم شبیهند. خلاصه آنکه بیش از یک نژاد وجود ندارد، و آن

این، میلیونها تن می‌توانند کتاب یا کتابهایی را دوست بدارند، بی‌آنکه این دوستی مشترک ریشکی میانشان برانگیزد.

کتاب وسیله ای است که ما را از حد خود فراتر می‌برد. هیچ کس خود آن اندازه تجربه ندارد که دیگران و خود را به خوبی بشناسد. ما همگی در این جهان بیکران و فروسته خود را تنها می‌یابیم و از آن رنج می‌بریم، بیداد زمانه و دشواریهای زندگی آزارمان می‌دهد. کتابها



هم نژاد آدمی است. "مردان بزرگ، بامانها از جهت قدر و منزلت فرق دارند وگرنه نهادشان بامایکی است، از این روست که سرگذشت آنها برای ما این همه دلپذیر است.

هرچند ما تا اندازه‌ای برای آن کتاب می‌خوانیم که از حد زندگی خود درگذریم و از زندگی دیگران آگاه شویم، با این همه سبب شادی و نشاطی که از خواندن کتاب به ما دست می‌دهد تنها در این نیست. ما در زندگی روزانه خود آنچنان در حوادث غرقه‌ایم که نمی‌توانیم این حوادث را آشکارا ببینیم، و آن قدر دستخوش هیجانات روحی خویشیم که

می‌آموزند که مردمی بسیار بزرگتر از ما نیز چون ما رنج برده‌اند و در جستجوی حقیقت کوشیده‌اند. آنها درهای گشوده‌ای بر اندیشه‌های دیگر و بر ملتهای دیگرند. به باری آنها، ما می‌توانیم از تنگنای جهان کوچک خود بگریزیم، از برکت آنها، ما از تفکر در باره خودمان رهائی می‌یابیم. شی را در کار خواندن کتابهایی بزرگ، به سرآوردن برای جان همان قدر سودمند است که گردش در کوهستان برای تن. آدمی از این ستیغهای بلند با سینه‌سر شده از آلودگیها و نیرومندتر و آماده‌تر باز می‌گردد تا با سختیهایی که در دشتهای زندگی روزانه می‌یابد دلیرانه بیکار کند.



مجال لذت بردن از این هیجانات راسمی‌باییم . زندگی بسیاری از ما خود داستانی است که از داستانهای دیگران چیزی کم ندارد ، ولی ما نه تنها خود از این زندگی لذت نمی‌بریم ، بلکه پیوسته از رنج آن نالانیم . هنر نویسنده در آن است که تصویر راسنی از زندگی پیش‌چشم ما می‌گذارد ، ولی آن را در چنان فاصله‌ای از ما نگاه می‌دارد که ما بی‌اندک بیم و احساس مسئولیتی ، از آن لذت می‌بریم . کسی که رمان یا سرگذشت بزرگی می‌خواند در کشاکش حادثه ، بزرگی زندگی میکند ، بی‌آنکه صفای خاطرش از آن شوریده شود . هنر چیزی را سه تماشا می‌گذارد که آدمی در عمل نمی‌یابد و آن زندگی است که همراه با آرامش باشد . خواندن کتابهای تاریخی سلامت اندیشه می‌آورد و درس اعتدال و تساهل می‌آورد و نیز نشان می‌دهد که ستیزه جویی‌هایی که آتش جنگهای خانگی یا جهانی را برافروخته است امروز دیگر مشاجرات مرده‌ای بیش نیست ، و این درسی است که ما را به فرزندی می‌خواند و به نسبی بودن ارزشها معتقد می‌کند . کتاب خوب خواننده را آنچنانکه پیش از خواندن بود نمی‌گذارد ، بلکه او را سه صفات نیکوتری می‌آراید .

کتابخانه

بنابراین ، برای مردم جهان هیچ چیز مهم‌تر از آن نیست که این وسیله‌های گریز از خود و شناخت دیگران ، که افق اندیشه‌ها را می‌گشاید و زندگی را یکباره دگرگون می‌کند و ارزش اجتماعی فرد را افزایش می‌دهد ، در دسترس همگان قرار گیرد . یگانه راهی که این مقصود را برمی‌آورد ایجاد کتابخانه‌های عمومی است . مادر زمانی زندگی می‌کنیم که در بسیاری از

کشورها ، که شماره سان رویه فزونی است ، همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند و در سازمان حکومت شرکت می‌جویند و افکار عمومی آنان است که از راه تاثیر در اعمال رانمداران ، در آخرین مرحله ، سرنوشت صلح و جنگ و عدل و ستم و خلاصه زندگی یک قوم یا همه جهانیان را تعیین می‌کند . این قدرت ملت مستلزم آن است که نوده‌ها ، که اینک سرچشمه قدرتند از همه مشکلات بزرگ جهان آگاه شوند . من قبول دارم که باید این مردم رفته رفته در مدارس دانشهایی فراگیرند ، ولی اگر کتابخانه به یاری مدرسه برنخیزد ، چنین آموزشی راه کمال نخواهد بیمود .

گوش فرادادن به درس شایسته‌ترین معلمان نیز نمی‌تواند به تنهایی روانهای روشن بیورود دانش آموز باید بیندیشد و هر نکته‌ای را سه زرفی ببیند . نقش معلم در آن است که قالبهای استواری بسازد تا سپس خود آموزی آنها را پر کند . این خودآموزی جز با خواندن حاصل نمی‌شود . هیچ دانش آموز یا دانشجوی هر قدر هوشمند و کارآمد باشد ، نمی‌تواند به تنهایی آنچه راجهائیان پس از هزاران سال به سامان رسانیده‌اند از نو بسازد ، هر تفکر و تعمق استواری پیش از هر چیز ، تفکر و تعمق در اندیشه نویسندگان بزرگ است . تاریخ ، اگر به نقل وقایع و بیان اندیشه‌هایی اکتفا می‌کرد که معلم می‌توانست در طی اندک ساعاتی بازگوید ، چیز بی ارزشی می‌بود ، ولی اگر دانشجوی راهنمایی معلم ، دریادداشتها و گزارش‌شاهدان و آمارها در جستجوی خود مواد و مصالح تاریخ برآید ، آنگاه این دانش نکته‌های گرانبهایی از زندگی به او خواهد آموخت .

خواندن تنها ، ورزش نیروبخشی برای اندیشه

نیست بلکه آدمی را از زاریتهان حقیقت آگاه
می‌کند، چرا که حقیقت هرگز آماده و برداخته
به دست نمی‌آید و باید حقیقت جو خود آن را
در پرتو کار و بصیرت و پاکدلی دریابد و کتابخانه
مکمل لازم مدرسه و دانشگاه است. من با را
فراتر می‌گذارم و از روی ایمان می‌گویم که آموزش
فقط کلیدی است که درهای کتابخانه را می‌کشد.
این نکته بیش از همه در مورد آموزش
بزرگسالان صادق است. جوانی که می‌خواهد

دانشجوی کهن را در هم ریخته اند. چه کسی
مردان و زنان را از این دگرگونیها که حاکم بر زندگی
و بهروزی آنان است آگاه خواهد کرد؟ چه کسی به
آنان مجال خواهد داد تا با آنکه از کار روزانه
خود غفلت کنند، با تازه‌ترین اکتشافات جهان
دانش و هنر آشنا شوند؟ کتاب و تنها کتاب.
کتابخانه عمومی باید به کودکان و جوانان
و مردان و زنان امکان دهد تا در همه زمینه‌ها پا



وظایف خود را با هشیاری تمام به جا آورد باید
درس‌ساز زندگی یکدم از آموختن نیاساید. جهان
آن روز که ما مدرسه را به پایان می‌رسانیم، از
حرکت بازمی‌ایستد، بلکه تاریخ پیوسته در کار
پدید آمدن است و هر زمان مسائلی پیش می‌آورد
که سرنوشت جهانیان به آنها باز بسته است.
اگر برای مسائل واقف نباشیم، چگونه می‌توانیم
از آیینهای نیکو هواخواهی و پاسداری کنیم، یا
بادیوانگیهای جنایتبار به ستیزه برخیزیم. آنچه
در مورد تاریخ درست است، در زمینه‌های اقتصاد
سیاسی و همه رشته‌های علوم و فنون نیز صدق
می‌کند. در طی پنجاه سال گذشته، مردم جهان

به پای زمان گام بردارند. باید با کمال بیغرضی
و خیرخواهی آثاری را در دسترس آنان بگذارد تا
خود صاحب نظر شوند و در کارهای عمومی بینش
انتقادی و سازنده خود را به کار اندازند.
کتابخانه عمومی استعدادهای نهفته را نیز
بیدار می‌کند. صاحبان ذوق و استعداد، که
مجال پرورش خود نیافته‌اند، با خواندن آثار
بزرگان به سوی دانش و ادب و هنر می‌گرایند و
به سهم خود برغناهی گنجینه مشترک فرهنگ
و تمدن جهانیان می‌افزایند.

بالاخره وازهمه بالاتر آنکه کتابخانه‌های کهنه خوبی مجهز ودرهای آن به روی همگان بازباشد قدر زندگی خوانندگان را بالا می‌برد. در زمان ما که ماشین ناخدی جایگزین آدمی شده و اوقات فراغت افزایش یافته است، باید که این وقتهاهر چه نیکوتر درکارخیر وصلاح افراد واجتماع صرف شود. بیگمان ورزش و بازی و سفر به این مقصود یاری می‌کند، اما هیچ چیز بهتر از خواندن کتاب نمی‌تواند مردمی به دانش آراسته و جوانمرد و خیرخواه بار آورد. همان‌گونه که کتابهای تاریخی و علمی اندیشه‌های توانا می‌سازند داستان و نمایشنامه نیز دل‌های مهربان می‌آفرینند. خواننده‌های که نویسندگان بزرگ کشوری رانیک، می‌شناسد، حتی اگر به آن سرزمین نرفته باشد، حتی اگر به زبان مردم آن کشور سخن نگوید، دیگر در آنجا بیگانه نیست.

خدمات انجام یافته

بنابرین کتابخانه عمومی امروزی سازمان زنده و پرجنب و جوشی است که به پیشباز خواننده می‌شتابد تا از حاجت‌های او آگاه شود. و آنها را روا کند و او را به سوی خود می‌کشد و وسیله‌های گوناگونی دردسترس او می‌گذارد تا از دانستنیها آگاهی یابد یا بردانش خود بیفزاید و اوقات فراغت خویش را خوش کند. بیس مجموع‌های این کتابخانه باید با چنین برنامه‌ای منطبق باشد. لازم است که همه کس در آن بتواند به مراجعی، مانند فرهنگ و دایره‌المعارف و فهرست کتب و اطلس و فهرست وقایع تاریخی، دست یابد. مجموعه تاریخی

آن باید آثار عمومی این رشته، مانند تاریخ جهان و تاریخ کشورهای بزرگ و به خصوص تاریخ کشوری که کتابخانه در آن برپاست و نیز تاریخ هنر و ادبیات و علوم را شامل باشد. غرفه کتابهایی که در احوال بزرگان جهان است غالباً خوانندگان بسیاری را به خود می‌کشد و نیز کتابهایی که در باب جغرافیا و سفرنامه و علوم و فنون باشد برای هر کتابخانه‌ای از اهم واجبات است.

از میان آثار نویسندگان کهن، آثاری شایسته برگزینند که هنوز خوانندگان خود را از دست نداده باشند. شاعران قدر اول اندکند و آثار آنان را می‌توان به آسانی فراهم آورد. دشوارترین کار گردآوردن داستان و نمایشنامه است فراوانی این گونه آثار به حدی است که حذف بسیاری از آنها را، هر چند از انصاف بدور باشد، ناگزیر می‌سازد. پیش از همه، باید آثار داستان‌سرایان و نمایشنامه‌نویسان چیره دست را گرد آورد. گذشته از آنچه گفتیم، مجموعه‌های کتابخانه باید شامل کتابهای فنی و حرفه‌ای و رساله‌هایی که از رموز حرفه‌ها و صنعت‌های گوناگون دستی، خاصه صناعی که در قلمرو کتابخانه مشهور است، نیز باشد. دسترسی به قفسه‌های کتاب را باید آزاد گذاشت فهرستهای "فیش شده" باید چنان منظم باشد که خواننده را یکسر به کتاب دلخواه خود هدایت کند و او، به یاری روش درستی که در ترتیب کتابها به کار رفته است، آشکارا دریابد که کتابخانه در باب موضوع مورد علاقه او چه کتابهایی دارد.

برنامه کتابخانه عمومی امروزی شامل فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی گوناگون، از قبیل سخنرانی و بحث در مسائل ادبی و هنر



و اجتماعی ، نمایش آثار هنرمندان و نویسندگان نیز هست . این فعالیتها از راههای گوناگون به کتاب می پیوندند و نیاز به خواندن را برمی انگیزد بدین گونه کتابخانه عمومی به حق خود کانونی فرهنگی است که دانشهای بشری را نشر می دهد و شادمانی بزرگی میان مردم می براند و ابزار نشر افکار و وسیله گذراندن هشیارانه اوقات فراغت را به دست افراد اجتماع می دهد قلمرو فعالیت آن تنها به سطحی که در آن واقع است محدود نمی شود ، بلکه مردمان روستانشین را نیز که از دیرباز محل بی اعتنایی بوده اند ، از برکت خود برخوردار می کند . ممکن است در برخی از روستاها کتابخانه های خاص دانش آموزان یافت شود ، ولی غالباً این گونه کتابخانه ها به بزرگسالان کتاب امانت نمی دهند و اینکه کتابهای آنها محدود و اندک است و ذهن جوینده را قانع نمی کند . بسیاری از کشورهای جهان در کار اداره کتابخانه های عمومی شیوه بسیار پسندیده ای به کار گرفته اند و در پاره ای دیگر چنین کوشش شایسته ای در کار است که آینده امیدبخشی را نوید می دهد . در این کشورها در مراکز استانها و شهرستانها کتابخانه های منطقه ای برپا شده است و این کتابخانه ها نیازمندیهای کتابخانه های سیار را که قوت جان به بخشهای روستایی نشین می رسانند ، برمی آورد .

تنها کتاب و خواندن است که نشر تمدن را میسر می سازد . درست گفته اند که حق خواندن ، در

روزگار ما ، از حقوق مسلم آدمی است . همه مردمان ، از زن و مرد ، باید دسترسی آزادانه ای به کتاب داشته باشند . بخت اگر یار شود ، کتابها میراث تجارب اندوخته گذشتگان را به دست آیندگان خواهند سپرد و از این راه زندگی مردم جهان را دگرگون خواهند کرد .

دلهای انسانهای متعدد ، دلپاشی است

که رئوف و مهربان بر همه بشر است .

امام خمینی

تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ مَنْ أَقْبَحَ الْعُيُوبِ وَشَرِّ السَّيِّئَاتِ

امیر المؤمنین

جستجوی عیوب دیگران خود از فبیح‌ترین عیوب و بدترین گناهان است

۲- اگر بدون اینکه خود تلاش و کوشش کند عیب برادر دینی آشکار شود وظیفه و رسالت او چیست؟

۳- اینکه رسالت مومن واقعی چیست آیا بجای پرداختن بدیگران و عیوب آنان اصولاً سعی میکند دیگران را از خود بهتر و کاملتر دانسته خود را از همه کوچکتر و پست‌تر تلقی کرده هم واهتمامش را مصروف عیوب نفس خود نموده میکوشد بمعایب نفسانی خود پی برده آنها را اصلاح نماید؟

در بخش نخست باید متذکر شد که از مجموع آیات و روایات استنباط میگردد که یکی از گناهان کبیره آشکار ساختن عیوب دیگران است از کلمه تتبع می‌توان استفاده کرد که اساساً

اسلام در عین اینکه دین صلح و صفا و صمیمیت است از نظر قوانین و مقررات هم تلاش کرده فیما بین مسلمین صلح و صمیمیت را حکم فرماید برای وصول باین خواسته دو کار مهم انجام داده اول عوامل جذب و الفت را توسعه داده و بدان تاکید کرده است دوم همه عوامل تفرقه را و جدائی انداز را در جامعه مسلمین طرد نموده است. یکی از عوامل طرد شده از نظر اسلام عیب جوئی و آشکار ساختن عیوب دیگران است در اینجا این مساله از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار میگردد.

۱- در جامعه اسلامی اساساً کسی این حق را ندارد که عیوب دیگران را کنکاش کرده آنها را علنی و آشکار سازد یا نه؟

عده‌ای کارشان اینست که متعمداً "کار و زندگی خود را رها کرده دائماً" درصد دیافتن عیوب دیگران هستند. بزرگترین زیان اینکار اینست که آدمی عیوب و نواقص خود را نادیده گرفته به عیب جوئی از دیگران خواهد پرداخت درحالی که بزرگترین سرمایه‌ها یعنی عمر خود را بمصرف رسانده و بهره‌ای نبرده تنها به بهم زدن لجن‌های اخلاقی دیگران پرداخته است.

در بخش دوم: باتوجه بروایات و احادیث این نکته آشکار میشود که شخص مؤمن در صورتی که برخورد با عیوب دیگران نماید وظیفه دینی او اینست که با ستر بودن خود آنان را پوشانیده آنها را مستور سازد. در روایات اسلامی آمده که روزی حضرت مسیح با شاگردان خود سخن گفته از آنان پرسید اگر گذر شما به فردی که بخواب رفته بیفتد و شما مشاهده کنید که بخشی از عورت او کشف شده و ساترش کنار رفته شما چه می‌کنید همه باتفاق گفتند بلافاصله روی آنرا می‌پوشانیم حضرت مسیح فرمود پس چرا وقتی عیبی از عیوب برادران شما آشکار میگردد از چشم پوشی و مستور داشتن آن خودداری می‌ورزید؟

در روایات اسلامی باب مستقلی بعنوان الأَعْضَاءِ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ وجود دارد یعنی مردم رسالت دارند که از عیوب دیگران چشم پوشی نمایند.

در روایات اسلامی علاوه بر نادیده گرفتن عیوب دیگران تاکید شده که حتماً "باید عیوب دیگران را مستور ساخت، امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً

برمومن است که هفتاد گناه کبیره برادر مومن‌اش

را پوشاند یعنی علاوه بر اینکه آنها را علنی و آشکار نمیسازد بلکه آنها را مستور و پنهان میسازد. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره فرمود:

مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةَ يَخْفَاهَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هر که بر برادر دینی‌اش عیب و عورتش که از آن بیم دارد بپوشاند خداوند متعال هفتاد عیب از عیوب دنیوی و اخروی او خواهد پوشانید.

در روایات دیگری آمده که هر که پرده‌داری کرده عیب دیگران را برملاء سازد خداوند عیوب او را در برابر دیدگان همه مردم برملاء خواهد ساخت.

لذا پیامبرگرمی (ص) فرمود بزرگترین عیب بر انسان‌ها اینست که آنچه عیوب دیگران است آن را مشاهده کند ولی نظائر آن عیوب را که خود بدان آلوده است نادیده گرفته چشم پوشی نماید.

در بخش سومین باید متذکر شد که اسلام تاکید بر این نکته مینماید که انسان‌ها بعیوب و اصلاح خود پرداخته از توجه بدیگران و عیب‌جوئی از آنان در مصون بمانند. علی‌علیه السلام در فرازی از نهج البلاغه میفرماید:

طَوْبِي لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ. خوشبحال آنانکه با پرداختن بعیوب خود از توجه بمعایب دیگران خویشتن را باز میدارند در فراز دیگری علی علیه السلام میفرماید:

بَنِيَّ أَنَّهُ مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ

پسرم بدان هر که بعیوب خود آگاهی یابد و در اصلاح آنان کوشا باشد بناچار از توجه بعیوب دیگران باز خواهد ماند.



است که والدین و مربیان با استفاده از قدرت و حاکمیت خود سخنانی را بر زبان آورند که موجب احساس ضعف و ناتوانی طفل شود.

کودک کاری انجام میدهد و بنظر خود نوعی سرگرمی و اشتغال است. آیه "بأس برای کودک خواندن و دلسرد کردن کودک از اقدام بیک امر موجب کشتن اعتماد به نفس خواهد شد و طبعاً در صدد آن برخواهد آمد که دیگر به کاری اقدام ننماید."

۷- سرزنی بسیار:

از مسائل و عواملی که اعتماد به نفس را در کودک میکند سرزنیهای

مداوم و افراطی است. سرزنیها برای کودک آینده ای هراس انگیز خواهد ساخت و سبب آن خواهد شد که او امور را با بدبینی بنگرد و بدین ترتیب روزگار حال و آینده اش تاریک شود.

اگر تذکرات شما در اصلاح کودک مفید نیفتاد و یکی دو بار هم سرزنی کردید و موثر واقع نشد ضروری است سرزنیها را قطع کنید و علل و انگیزه های آن نابهنجاری باید رفتاری را تعقیب کنید، زیرا در مواردی خود طفل در وضع و موفقیتی قرار میگیرد که قادر به اصلاح وضع خود نیست

۸- شکست دادن ها:

ممکن است شما با فرزند خود

بازی دوستانه ای داشته باشید و البته این کار مفید و ضروری است در سایه آن میتوانید به کودک درس بیاموزید، عیوب او را اصلاح کنید و... ولی آنچه قابل ذکر است اینست که اصرار نداشته باشید کودک در بازی با شما شکست بخورد، مگر آنگاه که قصد داشته باشید از این طریق راه موفقیتی را به طفل بیاموزید.

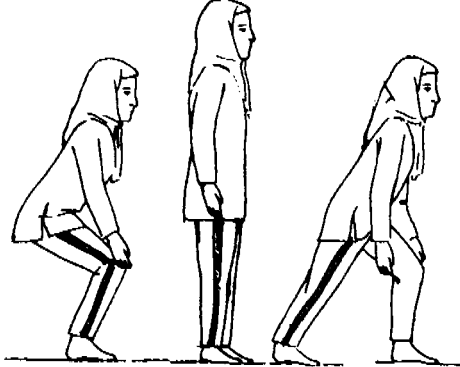
شکست کودک از شما بویژه اگر مکرر و مداوم باشد سبب آن خواهد شد که در عرضه و لیاقت خود شک نموده و روح اعتماد به نفس در او کشته شود. ما متکرر این امر نیستیم که کودک باید گاهیگاهی طعم شکست را بچشد تا بتدریج کار آموخته و ورزیده شود ولی این امر نباید مکرر شود.

از صفحه قبل

طرز تفکر اینست که مومن احساس نیاز کرده بر اثر همین احساس کمبودها به تلاش و کوشش در یافتن خود خواهد پرداخت و همین انگیزه راه پیشرفتهای معنوی را بسوی انسانهای مومن میگذاید. در خاتمه میتوان چنین برداشتی کرد که اسلام تلاش میکند انسانها را به عیوب خود واقف سازد و بر واضح است که انسان پس از آگاهی بر عیوب خود در برطرف کردن آنها مسامحه و سستی نخواهد کرد. پس تغافل از عیوب دیگران و به خود پرداختن رهگذری برای خود سازی است ضمناً "به خاطر داشته باشیم که عیب جوئی از دیگران از زشت ترین معایب و واز بدترین گناهان است."

بدیهی است انسان ها نوعاً " دارای معایبی هستند این دو روایت تلاش میکند که انسانها را بساختن و پرداختن خود مشغول ساخته از پرداختن بدیگران بازدارد. نکته دوم اینکه انسانی که خود دارای عیب است چگونه می تواند بعیب جوئی از دیگران بپردازد.

در خاتمه باید باین نکته توجه داشت که آداب اسلامی و تقوای راستین ایجاب میکند که هر فرد مومنی خود را از همه آلوده تر دانسته و دیگران را از خود برتر و بهتر بداند نکته روانی این



اثرات مفید ورزش بر سلامتی بانوان

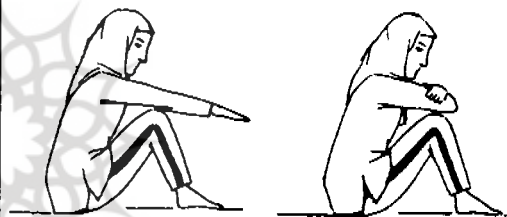
کمر دردهای زنانه، ضعیف بودن عضلات عمومی بدن، حالات عصبی که در اکثر زنها وجود دارد، ضعف اعصاب، رشد ناقص بدن، کوچک بودن قفسه سینه، عدم رشد طبیعی ستون فقرات، افتادگی شکم، دردهای زایمان و فاعدگی... پس از مطالعات فراوان مشخص گردیده که علت اصلی کلیه این ناراحتیها و نواقص جسمانی، تنها ضعف ارگانی ناشی از کسالت و بیماری نیست بلکه بیشتر آنان در اثر عدم توجه به فعالیتهای بدنی زنان در طول دوران زندگی‌شان بوده است و به قول شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی بسیاری از بیماریها ناشی از این است که انسان حرکات بدنی کافی ندارد.

منحصصین علوم پزشکی ورزشی — اساس تحقیقات و مطالعاتی که انجام دادند متوجه شدند که ضعف عضلات، کندی رشد بدن، انحرافات ستون فقرات و یا غیر طبیعی بودن پاها و کمردردهای شدید زنانه خیلی از نواقص بدنی دیگر رامی‌توان به وسیله ورزش از بین برد. برای بهتر روشن شدن مطلب، یکی از بیماریهایی را که می‌توان از طریق ورزش رفع کرد، مورد بررسی

ورزش ایجاد سلامتی می‌کند:
تأثیرات مستقیم ورزش بر روی سلامتی اعضای بدن انسان و خصوصا "تأثیرات آن بر روی سلامتی جسمانی بانوان، امری انکارناپذیر است و بالعکس انجام ندادن و توجه نکردن به ورزش، ضایعات و بیماریهایی به دنبال دارد که ذکر کلیه این بیماریها و ناراحتیها در این مقاله نمی‌گنجد و تنها به ناراحتیهایی که تقریبا "عمومیت دارد اشاره می‌شود.

الف - جلدانی

ضعیف بودن عضلات پشت و شکم که خودیکی از عوامل مهم کمردرد شخص است و در نتیجه عدم حرکت و انجام ورزش به وجود می آید ، سبب می شود که شخص نتواند بدن خود را به شکل صحیح نگهدارد زیرا نگهداری بدن به شکل صحیح خود ، نه تنها به قدرت و شکل ستون فقرات ، بلکه مقدار قابل توجهی نیز به عضلات پشت و شکم بستگی دارد ، این بستگی به قدری است که حتی می توان گفت علت اصلی تغییر شکل ستون فقرات نیز ناشی از ضعف عضلات پشت و شکم است . هر قدر این دسته از عضلات



شکم و پشت قویتر و دارای پویای بیشتر باشد به همان نسبت نیز دیرتر علائم خستگی و احساس درد در بدن ظاهر می شود ، با بررسی چگونگی حالت بدن انسان و عضلاتی که در نگهداشتن صحیح آن سهمی دارند ، می بینیم که در قسمت پشت بدن گروهی از عضلات مختلف با

یکدیگر در این جهت همکاری دارند که اگر یک و یا دسته ای از آنان ضعیف شوند بدن انسان (بخصوص قسمت بالاتنه) شکل طبیعی خود را از دست خواهد داد . طبیعی است که با توجه به آن دسته از عضلات که در اثر ضعف قادر به انجام وظایف خود نمی باشند ، ستون فقرات به اشکال مختلف درمی آید . مهمترین عضلات پشت که وظیفه نگهداری ستون فقرات و به طور کلی حالت طبیعی بالاتنه را به عهده دارند عضله دوزنقه ای و عضله مستقیم پشتی می باشد . طبیعی است این دو عضله در انجام کار خود تنها نیستند ، بلکه با همکاری سایر عضلات ، کلیه حرکات ستون فقرات را در جهات مختلف باعث می شوند . عضله مستقیم پشتی از قسمت راست و چپ بالای تنه در جهت ستون فقرات قرار دارد و به تکتک مهره های ستون فقرات متصل می شود و باعث کشش ستون فقرات به طرف عقب و جلوگیری از خمیدگی بدن به طرف جلو شده و از طرف دیگر نیز به سهم خود وظیفه نگهداری بدن به حالت طبیعی و در حرکت ستون فقرات به جهات مختلف نقش مهمی دارد . در قسمت شکم و سینه نیز عضلات دیگری وجود دارند که از طرفی کشش عضلات پشت را خنثی می کنند و مانع از خمیدگی بدن به طرف عقب می شوند و از طرف دیگر به سهم خود وظیفه نگهداری بدن به حالت طبیعی و در حرکت ستون فقرات به جهات مختلف نقش مهمی را ایفا می نمایند . در قسمت جلویی بالاتنه نیز عضلات زیادی قرار دارند که مهمترین آنان عبارتند :

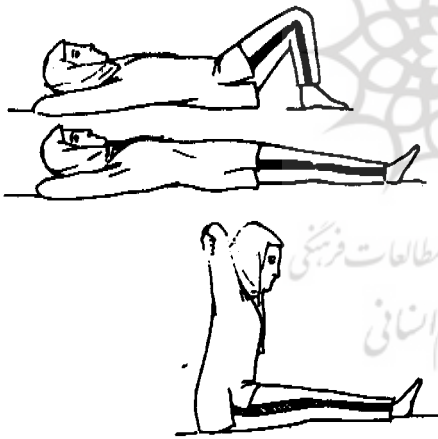
۱-عضله مایل شکمی خارجی

۲-عضله مایل شکمی داخلی

۳-عضله مستقیم شکمی



که در اثر تمرینات ورزشی، در مدت کوتاه و طولانی، تغییرات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی در اندامها و ارگانهای مختلف بدن حاصل می شود که اثر مهمی در طرز کار این قسمتها و فعالیتهای کلی حیاتی بدن دارد. و البته پیشگیری و بر طرف کردن ناراحتیهای جسمی فوق الذکر برای هر انسانی به طور اعم و زنان به طور اخص به وسیله انجام حرکات بدنی امکان پذیر است، به شرط آنکه کیفیت بروز و نحوهٔ معالجهٔ آن را در بدن خود مورد بررسی قرار دهند، به طوریکه اگر هر انسانی فقط حداقل پنج دقیقه از وقت روزانه خود را به انجام حرکات ورزشی اختصاص دهد، می تواند تا مقدار قابل توجهی از ناراحتیهای فیزیکی و فیزیولوژیکی جسمی خود جلوگیری کند و به طور کلی مانع بروز چنین ناراحتیهایی در بدن خود بشود.



می توان گفت که سهل ترین و بهترین راه برای بر طرف کردن و پیشگیری از ناراحتیهایی از قبیل کمردرد، عدم نگهداری بدن به شکل صحیح، افتادگی شکم، انجام حرکات تقویتی عضلات مربوطه می باشد.

بنابراین عضلات پشت، شکم و سینه مشترکاً مسئول نگهداری قسمت بالا تنه (ستون فقرات) به حالت طبیعی خود می باشند.

دکتر مولیر حالت طبیعی بدن انسان را به یک کشتی بادی تشبیه کرده است، او در این مقایسه چگونگی حالت بدن انسان را به وضع قرار گرفتن (حالت تعادلی) کشتی بادی بروی آب تشبیه کرده و به این واقعیت اشاره می کند که اگر بادبانهای کشتی در جهات مختلف به طرز صحیحی قرار نگیرند، تعادل کشتی بهم می خورد و نسبت به درجه انحناء بادبانها، جهت آن کشتی به یک طرف متمایل می شود و تعادل خود را از دست می دهد، همچنین است بدن انسان که در اثر ضعف عضلات پشت و با شکم تعادل خود را از دست داده و در ستون فقرات انحناءهایی بوجود می آید. حال اگر ستون فقراتی را که به علت وجود ضعف عضلات پشت و با شکم از حالت طبیعی خود خارج شده است، مورد مطالعه قرار دهیم، می بینیم که در نقاط مختلف ستون فقرات انحناءهایی به وجود می آید که نسبت به شدت انحناء و محل آن، ستون فقرات و در نتیجه قسمت بالاتنهٔ بدن انسان تغییر شکل می دهد. با توجه به این تغییر شکل ستون فقرات است که دردهای مختلف در کمر احساس می شود. بهمین جهت و با توجه به ضرورت ورزش و نقش آن در ایجاد سلامتی است که متخصصین ورزش و پزشکی ورزشی به تنظیم برنامه های ورزشی در دوران کودکی، دبستان، و دبیرستان دوشیزگان توجه خاصی دارند و بیش از هر مطلب دیگر به حرکات و جنبشهای طبیعی کودکان تکیه می شود. مطالعات و تجربیات انجام شده ثابت کرده اند

لَا زِيَادَةَ بِالْهَيْدِ وَالْعِظْمَةِ

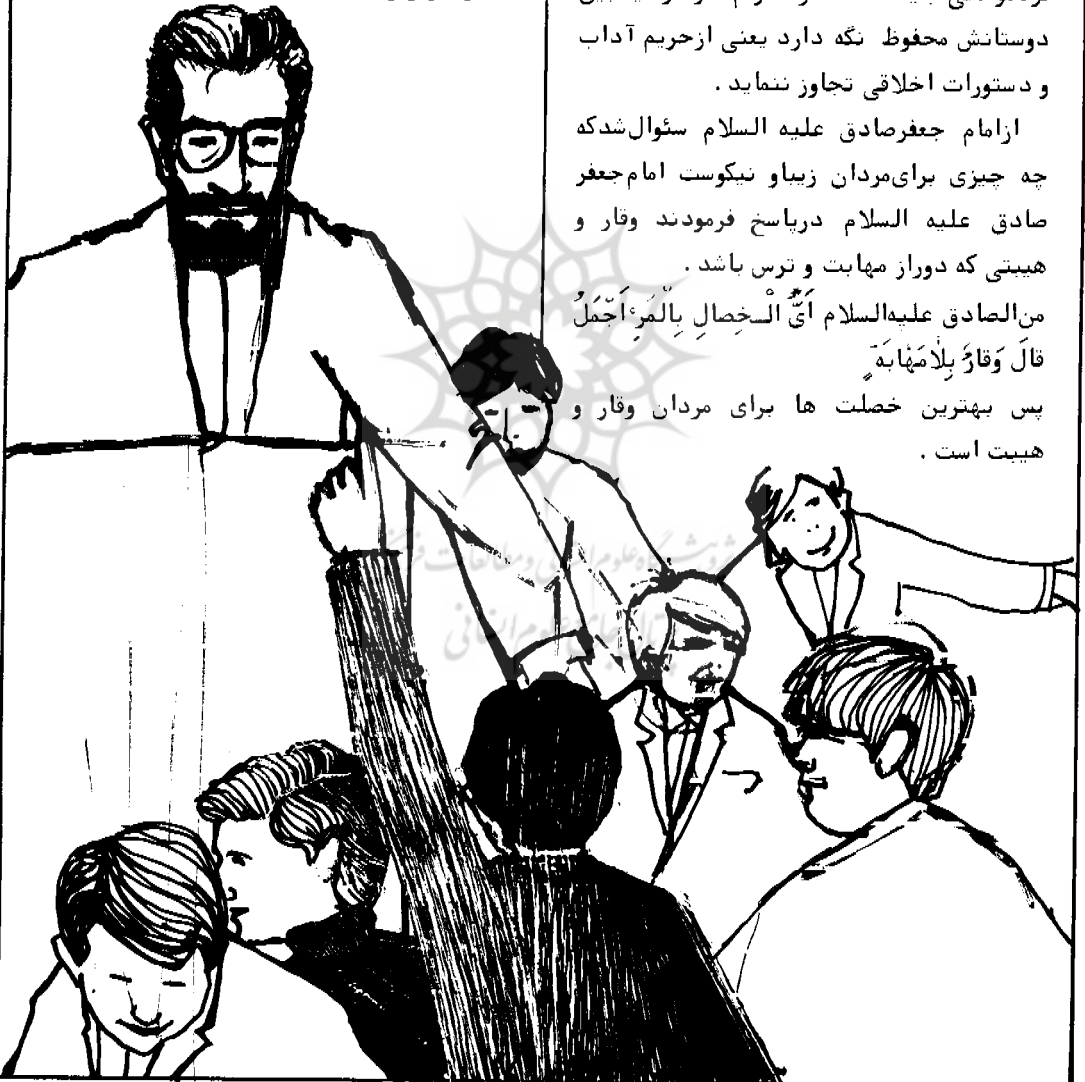
بامطالعه سیره پیامبر اسلام (ص) شاید هیچکس مانند آن حضرت خلیق و مهربان نبود ولی معیذا از هیبت و جبروت خاصی برخوردار بود بطوریکه که در روایات اسلامی وارد شده که دانشمندان و علمائی که در محضرش حضور داشتند جرات سخن گفتن از آنان سلب میشد در برخی از آداب اسلامی تاکید شده است که هر فردی منی باید حشمت و احترام خود را قیامین دوستانش محفوظ نگه دارد یعنی از حریم آداب و دستورات اخلاقی تجاوز ننماید.

از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شد که چه چیزی برای مردان زیبا و نیکوست امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند وقار و هیبتی که دوران مهابت و ترس باشد.

من الصادق علیه السلام أتى الخصال بالمرء أجمل قال وقارٌ بلا مهابة

پس بهترین خصلت ها برای مردان وقار و هیبت است.

معلمان نوعاً " سه دستبند اول معلمانی که خوش اخلاق و خوش برخورد هستند بدیهی است که دانش آموزان در مواردی از این خوش اخلاقی سوء استفاده کرده در کلاس درس به صحبت کردن و مزاحمت کردن خواهند پرداخت در نتیجه چنین معلمینی نمی توانند بطور کامل برای شاگردان مفید و سازنده باشند زیرا فوق العاده خوب بودن معلم خود زمینه ای برای سوجدوئی و سوء رفتار خواهد بود. نوعاً " اینگونه معلمان توانائی اداره کلاس درس را فاقد میباشند.



دوم معلمانی که با گرفتن جذبه و تنبیه کردن و اخراج از کلاس شاگردان را وادار به آرامش و سکون و توجه بدرس مینمایند این گونه معلمان محبوبیتی بین شاگردان ندارند و عوامل قهری آنان شاگردان را به سکوت و آرامش وامیدارد و در مواردی هم درگیریهای سختی فیما بین معلم و شاگرد پیش میآید.

نوع سوم: معلمانی نیز وجود دارند که در اثر برخورداری از قدرت روحی و کمالات معنوی شاگردان را بخود جذب مینمایند اینگونه معلمان هیچگاه به زور و تهدید و اخراج شاگرد متوسل نمیشوند بلکه هیبت و وقار و سکینه آنان شاگردان را به آرامش و سکون و امیدارد. نکته حساس اینکه انسان ها اساساً در برابر کمال خاضع اند هرگاه شاگرد معلم خود را یک انسان شایسته ببیند بدیهی است که در عرض این شایستگی عظمت و جبروتی نیز از او مشاهده کرده در برابرش بکرنش و خضوع در خواهد آمد. اینگونه معلمان بدون احساس رنج و تعب کلاشان آرام است. ناگفته نماند که این نوع معلمان در مواردی هم بذکر داستانها و حکایات آموزنده پرداخته در ضمن از بیانی شوخیهای آموزنده و سازنده خودداری نمی نمایند زیرا آنان خود میدانند که با این عمل آمادگی شاگردان را گسترش داده خستگی و کوفتگی شاگردان را از بین برده نشاط و خرمی تازه بکلاس خواهند داد.

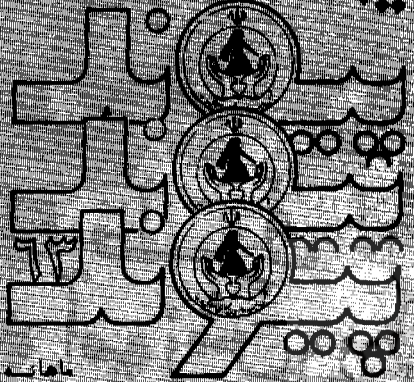
در پایان بعنوان حسن ختام به فرمایش پیامبر گرامی اشاره مینمائیم:

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ يَعْنِي بَرْتَرِينَ زِينَتِهَا لِأَيِّ مَرْدَانٍ وَقَارٍ وَسَكُونٍ أَيْ بِشَرَطِ أَنْتَكَ إِيْمَانٍ وَتَقْوَا طَمَئِنِينَ وَهَيْبَتٍ زِيْرِنَائِيْشِ إِيْمَانٍ وَتَقْوَا

مستند.

بنابراین با این نتیجه می رسیم که تنها خوش اخلاقی معلم کافی نیست بلکه معلم باید از ایمان و تقوای راستین برخوردار باشد ایمانی که با عظمت و تعالی بدهد همین شکوه و عظمت روحی است که شاگردان را بدگرگونی و ساختن شدن وادار خواهد ساخت.

دیپناه ۱۳۶۳



ماهنامه
انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

از همین اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
مجلس: تهران - خیابان انقلاب - روسروی
داستانگاه تهران - خیابان بهروردی - پستک
۷۷-۷۶ تلفن: ۶۲۷۱۱۶ و ۶۲۷۶۲۱
مناظر مجله: ۶۶۸۷۷۵

طرح و تنظیم: هوشنگ موهب اردستانی
بهاژنگ شماره ۲، خیابان - آبرونه سالنامه ۶۷، خیابان
مطهرتستان می توانست وجه انجمن را از طریق
هر یک از شعب بانک صادرات در تمام نقاط کشور
به حساب جاری ۸۵۴ به نام انجمن اولیاء و
مربیان ایران بانک صادرات شعبه شماره ۱۵۴۴
فلسطین سزاولر واریز نمایند و پیش آنرا بسته
دفتر مجله صندوق پستی شماره ۲۱/۱۲۸۸
ارسال فرمایند.

ابوالفضل عزنی

استنقل

عن ابی عبدالله: (والحجه فیما بین العباد و
الله العقل (۱) حجت بین بندگان و خدا عقل
است)

قال رسول الله (ص): انما یدرک الخیر کلّه
بالعقل (۲):

تمام خیرها با عقل درک میشود .

عن ابی عبدالله: (العقل دلیل المومن (۳):
عقل راهنمای مومن است) .

البته پیروی از سیستم تحلیل عقلانی در امر
آموزش و پرورش اسلامی تابع قطع و علم است .
پیروی از آنچه غیر علمی است و دارای قاطعیت
نیست در آموزش و پرورش اسلامی طرد شده
است (ولاتقف مالیس لک به علم) (۴): از آنچه
بآن علم نداری پیروی مکن .

قال النبی (ص): (استرشدوا العقل ترشدوا
ولاتعصوه فتندموا) (۵): از عقل راهنمایی
بگیرید تا اینکه ارشاد شوید و با آن مخالفت
مکنید که نادم گردید) .

قال علی (ع): العقل عقلان مطبوع و مسموع
ولاینفع نور الشمس و نورالعین ممنوع (۶):
عقل بردونوع است: عقل فطری و عقل اکتسابی
عقل اکتسابی بدون عقل
فطری فایده نمیدهد ، همچنانکه فایده نمیدهد
نور آفتاب در حالیکه دیده نابینا شود) .

قال علی (ع): العقل غریزه تزید بالعلم
والتجارب (۷) عقل غریزه‌ای است که با علم
و تجربه‌ها زیاد میشود) .

قال علی (ع): کل علم لایویده عقل مضله
(۸) هر علمی که عقل آنرا تایید نکند گمراهی
است) .

طرف آموزش در اسلام

وهمه خلاصه شده‌اند در قاعده کما حکم به العقل حکم به الشرع: بهره عقل حکم کند شرع نیز به آن حکم کند.

۲- تعلم

هل يستوى السذین یعلمون والذین لا یعلمون. آیا آنانکه میدانند با آنها که نمیدانند، برابرند؟ (۹) ولاتقف مالیس لک به علم ان السمع والبصر والفواد کل اولئک کان عنه مسئولاً: از آنچه بآن علم نداری پیروی مکن، برآستی که گوش و دیده و دل همه مسئولند (۱۰)

اطلبوا العلم ولوبا الصین، تحصیل علم کن اگرچه در چین باشد.

قال الصادق (ع): کثره النظر فی العلم یفتح العقل (۱۱):

دقت بیشتر در علم عقل را گشایش میبخشد.

۳- تجربه

فاقص القصص لعلهم یتفکرون: سرگذشتها را بآنها بازگو کن، شاید که تفکر کنند (۱۲)

والله اخرجکم من بطون..... خداوند شما را از بطن های مادرانتان بیرون آورد، در حالیکه چیزی نمیدانستید و برای شما گوش و دیده و دلها آفرید، شاید که شما شکرگزاری کنید (۱۳).

قال علی (ع): العقل عقلان: عقل الطبع و عقل التجربة و کلاهما یودی الی المنفعه (۱۴) عقل بردو نوع است: عقل فطری و عقل تجربی و هر دو تا شان بسوی خیر رهبرند.

قال علی (ع): وفي التجارب علم مستانف (۱۵) در تجارب علم تازه وجود دارد.

قال علی (ع): رای الرجل علی قدر تجربته (۱۶) فکر مرد باندازه تجربه او است.

قال علی (ع): من حفظ التجارب اصابت افعالهم (۱۷) کسیکه تجربه ها را رعایت کند اعمالش مطابق صواب میشود.

قال علی (ع): الشقی من حرم نفع ما و تری من العقل والتجربه (۱۸) شقی کسی است که از منافع عقل و تجربه محروم مانده است. قال علی (ع): التجارب علم مستفاد (۱۹) تجارب علمی است استفاده شده.

قال علی (ع): الایام تفید التجارب (۲۰) روزگار تجربهها را میآموزد.

قال علی (ع): من اعتبر ابصرو من ابصر فهم ومن فهم علم (۲۱): کسیکه عبرت کند، بینا شود و کسیکه بینا شود درک کند و چون درک کند بداند.

قال علی (ع): العاقل من وعظته التجارب (۲۲): عاقل کسی است که تجارب او را پند دهد.

۴- مطالعه طبیعت

در قرآن مجید آیات متعددی در امر و ترغیب به مطالعه طبیعت وجود دارد:

"افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت آیا به شتر نظر نمیکنند که چگونه آفریده شده و با آسمان که چگونه بلند گردانیده شد و به کوهها که چگونه برافراشته شده و بزمین که چگونه گسترده شد؟"

الذین یتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک....: آنانکه در





آفرینش آسمانها وزمین می‌اندیشند (چنین میگویند:) بارالها اینها را بدون هدف و باطل نیافریدی، منزهی (۲۳)"

وفی الارض آیات للموقنین وفي انفسكم افلا تبصرون (۲۴) و در زمین نشانه‌هایی است برای یقین کنندگان و در خودتان آیا نمی‌نگرید؟ .

فسيروا في الارض فانظروا در زمین سیر کنید پس بنگرید (۲۵)"

واحادیث فراوانی در بررسی و مطالعه طبیعت مظاهر و نوامیس آن وارد شده است .

۵- احساس و استفاده از حواس

مجدداً آیات متعددی در قرآن در استفاده از حواس و احساس وجود دارد :

ولاتقف ماليس لك به علم ان السمع و البصر والفواد كل اولئك كان عنه مستولا: از آنچه بآن علم نداری پیروی مکن، برآستی که گوش و دیده و دل همه مسئولند .

والله اخرجكم من بطون امها تكملاتعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار والافئده لعلكم تشكرون ۲۶: خداوند شمارا از بطنهای مادرانتان بیرون آورد، در حالیکه چیزی نمیدانستید و برای شما گوش و دیده و دلها آفرید، شاید که شما شکرگزاری کنید .

ولهم اعین لایبصرون بها ولهم آذان لایسمعون بها: و آنها را چشمهایی است که بآن نمی‌بینند و گوشهایی است که نمی‌شنوند. (۲۷)

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۵

۲- تحف العقول، ص ۵۴

۳- کافی، ج ۱، ص ۲۵

۴- قرآن، سوره اسراء، آیه ۳۶

۵- مستدرک، ج ۲، ص ۲۸۶

۶- عین الیقین فیض، ص ۲۴۳

۷- غرر الحکم، ص ۶۷

۸- سوره ۱۶، آیه ۹ و آیات مشابه متعدد مانند

هل یستوی الاعمی والبصیر

۹- غرر الحکم، ص ۵۴۴

۱۰- سوره اسراء، آیه ۳۸

۱۱- بحار، ج ۱، ص ۵۲ - برای آیات مربوط به

علم و تعلیم و تعلم رجوع شود به سوره آل عمران

آیه ۲۶، فاطر، آیه ۲۵، مجادله، آیه ۱۲، رعد،

آیه ۴۳، بقره آیه ۱۴۱، عنکبوت، آیه ۴۹، آل

عمران، بنی اسرائیل ۱۰۷-۱۰۸ و برای

احادیث بیشتر رجوع شود به کتابهای

محجّه البیضاء ۱، ص ۱۰-۱۱-۸-۱۲-۱۵ .

۱۲- سوره ۷، آیه ۱۷۵

۱۳- سوره ۱۶، آیه ۸۰

۱۴- بحار، ج ۱۷، ص ۱۱۶

۱۵- تحف العقول، ص ۹۶

۱۶- غرر الحکم، ص ۴۲۳

۱۷- غرر الحکم، ص ۷۱۹

۱۸- غرر الحکم، ص ۴۵۳

۱۹- غرر الحکم، ص ۳۵

۲۰- غرر الحکم، ص ۱۷

۲۱- سفینه النجاه، ص ۱۴۶

۲۲- بحار، ج ۱، ص ۵۳

۲۳- ذاریات، آیه ۲۱-۲۲

۲۴- سوره ۳، آیه ۱۳۱

۲۵- آل عمران، آیه ۱۸۸-۱۹۸

۲۶- سوره ۱۶، آیه ۸۰

۲۷- سوره ۷، آیه ۱۷۸

تربیت توان



در این صورت برای جلوگیری از حادثه

میتوانید در بازی با او شرکت کنید .
گفتن چند قصه نیز بسیار موثر است .

* اگر کودک شما کتاب خواهر کوچکترش را
پاره کرد شاید بسبب حسادتی است که نسبت
به او در دل دارد زیرا او را بیشتر مورد
توجه می بیند . در این مواقع او نیاز به
محبت بیشتری دارد .

همچنین در سنین بالاتر ، رفتن بکودکستان
که خود نوعی آموزش برای ایجاد هماهنگی
است ، فراهم آورید .

* از آنجا که کودک کنجکاو است ممکنست
اسباب بازی تازماش را خراب کند تا آنکه به
چگونگی ساخت آن پی برد . بنابراین از
تحقیر کودک در این موارد پرهیز کنید و
اسباب بازیهای را که قوه ابتکار وی را
تقویت می کند در اختیار وی قرار دهید
مانند مکعبهای کوچک که با آن ساختمان
بسازد . بنابراین بجای آنکه اسباب بازیهای

* اگر از کودک بخواهیم که ترس را فراموش
کند و در باره آن فکر نکند ، در واقع ترس را
در باطن بچه نگاهداشته و بصورت دیگری
بروز می کند .

* با بازجویی و سؤال در مورد ترس
کودک ، او را مضطربتر می کنیم .

* هیچگاه کودک را با برادران و خواهران
و یا دوستانش مقایسه نکنید (احمد را نگاه
کن چه پسر باشعوری است ، تو اصلاً " عرضه
نداری) .

* از کودک زیاد توقع نداشته باشید که
مثلاً " بالاترین نمره را در مدرسه بگیرد .

* سعی کنید شغل و حرفه شما مانعی بین شما
و فرزندانان نباشد .

* اگر بازی کودک جنبه خشونت به خود بگیرد

گرانقیمت برای او بخريد که خراب کردن آن شما را عصبانی کند، اسباب بازبهای ارزان قیمت برای کودکان فراهم آورید .

* بين خود و فرزندتان هماهنگی ایجاد کنید و به نیازهای آنان توجه نمائید .

* جهت پرورش حس چشائی باید دهان بچه را شستشو کرده و تمیز نگاهدارید و از خوردن غذاها و ترشیهای تند به او خودداری ورزید . چه خوردنیها و آشامیدنیها سئیکه ذائقه را تحریک می کند از حساسیت چشائی می کاهند .

* برای پرورش حس بویائی کودک باید مجرای بینی او را تمیز نگاهداشته و از تحریک شدید شامه (بوسيله عطرهاى تند ، کشیدن سیگار و سایر دخانیات) پرهیز کرد .

* در خصوص پرورش بینائی، آنها را از خیره شدن به نورهای شدید مثل خورشید و رنگهای تند و زننده بر حذر بدارید .
همچنین کار کردن با نور شدید یا خیلی

ضعیف و یا خیره شدن به اشیاء زیاد دور و یا خیلی نزدیک و مطالعه خط ریز و جاهای پرگرد و خاک ، برای بینائی مضر است . بوسيله بازی با مداد رنگی و صفحات رنگی و نقاشیهای آسان بینائی را در وی پرورش داده اید .

* در باب پرورش شنوائی : لاله و سوراخ گوش بچه را همیشه پاکیزه نگاهداشته و از داخل کردن چوب کبریت یا ته سنجاق در داخل گوش خودداری کنید . از تحریک شنوائی بچه بوسيله صداهاى یکنواخت یا شدید و ناگهانی پرهیز کنید چه صداهاى یکنواخت و بدآهنگ (دادو فریادهای ناگهانی) و یا خیلی شدید از حساسیت و دقت شنوائی می کاهد . باید کودک با اصوات موزون بخوابد (مانند لالائی مادر یا پرستار در هنگام خواب بشرطی که غم انگیز نباشد) و وقتی بچه بزرگتر شد بوسيله اشعار مناسب به پرورش حس شنوائی آنان کمک کرد .

و کشف را در کودکان پیدا کنیم و انگیزه‌هایی برای شناخت دنیای اطرافشان ، که مربوط به آنهاست باز آنها به وجود آوریم . به این طریق آنها بیشتر به اجتماع خود وابسته و دل‌بسته می شوند و با اطلاع و آگاهی قدم در جامعه می گذارند و تا حد زیادی فهمیده و سنجیده‌شلی را برای خود برمی گزینند .

شماره ۲۹

بسیار تکمیل اطلاعات خویش است و گویی تکمیلی مسلم برای خود تعیین کرده است و می داند چه می کند . بهترین راهها این است که بتوانیم با هر وضعی که ممکن است حتی کنجگویی

